

بایسته‌ها و معیارهای انفاق بر پایه نصوص و حیانی

محسن شهیدی^۱

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

چکیده

توجه به مفهوم انفاق از منظر قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام سبک صحیح و اسلامی هزینه کردن مال را برای انسان نمایان می‌سازد. نوشتار حاضر، پژوهشی نظری در حوزه فرهنگ قرآنی است که با روش بنیادی - توصیفی و با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و با هدف یافتن بایسته‌ها و معیارهای انفاق از منظر نصوص و حیانی تدوین شده است. در این راستا موضوعات کلی اخلاص، اعتدال، کیفیت و کمیت انفاق، اولویت بندی مصرف و شرایط دیگر انفاق از آیات قرآنی استخراج گشته و سپس با توجه به منابع تفسیری و روایات معصومان علیهم‌السلام بررسی شده‌اند. شناخت و رعایت این معیارها، سبک انفاق و هزینه کرد اموال در معیشت دینی انسان را بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، رشد داده و فرهنگ انفاق را در جامعه جاری می‌سازد.

واژگان کلیدی

اخلاص در بخشش، میانه‌روی در انفاق، حق معلوم، رابطه ایثار با میانه‌روی، معارف قرآن و

حدیث

پیش‌گفتار

«نفق» در لغت به معنی گذشتن هر چیز و از بین رفتن آن با بیع و یا با تمام شدن است.^۲ گفته شده که اصل نفق به معنای خروج است،^۳ لذا انفاق را از آن جهت انفاق می‌گویند که شخص، مال را بدان وسیله از دستش خارج می‌کند.^۴

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشکده الهیات دانشگاه آزاد تهران شمال.

۲. مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۸۱۹.

۳. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۵۸.

۴. قاموس قرآن، ج ۷، ص ۹۷.

«انفاق» در اصطلاح، بذل مال و ثروت در رفع حوائج خویش یا دیگران است.^۵

دین برای انفاق، شاخصه‌ها و معیارهایی تعریف کرده تا انسان با رعایت آن به مطلوب شارع دست یابد. در این مقاله که به روش توصیفی - اکتشافی و در حوزه آیات و روایات نگاشته شده، اهمیت انفاق بیان شده و سپس کشف معیارهای انفاق از آیات قرآن تبیین می‌گردد.

نگاشته‌های متعددی درباره انفاق وجود دارد. مثلاً در مقاله‌ای تحت عنوان «انفاق از منظر قرآن و عترت»^۶ مقدار و نوع انفاق به صورت گذرا مورد بحث قرار گرفته است. اما پژوهشی مکتوب و مستند که تنها به «معیارهای انفاق» اختصاص داشته باشد، یافت نشد؛ بلکه مطالبی به صورت پراکنده در صفحات مجازی مشاهده می‌شود.

توجه به مفهوم انفاق از منظر قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام سبک صحیح و اسلامی هزینه کردن مال را برای انسان نمایان می‌سازد. لذا مساله اصلی این پژوهش، چستی معیارهای انفاق برگرفته از آیات قرآن کریم است و انگیزه اصلی نگارش این متن، بکارگیری این معیارها در نیات و رفتار روزمره است.

الف) جایگاه انفاق در ثقلین

انفاق یا هزینه کردن از اموال در راه خدا از موضوعاتی است که به کرات در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام مطرح شده است؛ چنانکه صفوان بن یحیی می‌گوید:

در خدمت حضرت رضاء علیه‌السلام بودم که یکی از غلامانشان وارد شد.

امام رضاء علیه‌السلام فرمودند: امروز چیزی انفاق کردی؟ گفتم: چیزی انفاق

نکرده‌ام. فرمودند: پس خداوند چگونه به ما چیزی [در عوض چیزی

که ما داده باشیم] مرحمت کند؟^۷

مطابق آیات قرآن، مؤمن نمازگزار و نیکوکار در دارایی‌اش حقّ معلومی برای سائل و محروم

(به غیر از واجبات مالی مثل زکات)^۸ قرار می‌دهد:

۵. المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۲.

۶. انفاق از منظر قرآن و عترت، فرهنگ کوثر، ش ۷۲، ص ۴۶.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۴۴

۸. از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه پرسیده شد. فرمود: «این چیزی جدا از زکات است، و باید هر کسی پرداخت آن را به صورت روزانه یا هفتگی یا ماهانه یا سالانه برای خویش مقرر دارد.» (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۹۹)

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.^۹

9

وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ. لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.^{۱۰}

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمودند:

حقّ معلوم از زکات نیست (زکات به شمار نمی‌آید) و آن چیزی است که از مال خود، اگر خواسته باشی هر هفته جمعه یا در هر ماه جدا می‌کنی [و می‌بخشی]. و برای هر بخشش و عطایی فضیلتی است و این آیه «وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» «و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است» نیز از مصادیق زکات نیست. و سوره ماعون نیز شامل موارد زکات نیست؛ بلکه کار نیکی است که شخص انجام می‌دهد یا وام دادن به دیگری است یا کالایی از خانه را به همسایگان و دیگران امانت دادن است و هدیه‌ای که به نزدیکان می‌دهی نیز از موارد زکات نیست. خداوند بزرگ فرموده است: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ حَقٌّ مَّعْلُومٌ غَيْرِ از زکات است و آن مال یا کمکی است که خود شخص بر خود لازم می‌دارد که برای فرد یا جامعه انجام دهد و واجب است که اندازه آن را در خور توانایی و گشایش زندگی خویش تعیین کند.^{۱۱}

البته مفهوم صدقه، گسترده بوده و مطابق روایت، حتی شامل خرج کردن مالی که شخص به وسیله آن آبروی خود را حفظ کند نیز می‌شود.^{۱۲}

قرآن کریم اتفاق در راه خدا را نتیجه ایمان به خدا و آخرت برشمرده^{۱۳} و نشانه صالح بودن و شایستگی می‌داند.^{۱۴} آیات کریمه برای برای اتفاق‌کنندگان اجر کبیر قائل شده^{۱۵} و خبر می‌دهند که اگر کسانی با مال و امکانات خود، مردم را یاری ندهند و با غفلت از نعمت‌ها، فقط مشغول دنیای

۹. الذاریات: ۱۹.

۱۰. المعارج: ۲۴ و ۲۵.

۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱.

۱۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۸۲.

۱۳. النساء، ۳۹.

۱۴. المنافقون، ۱۰ - ۱۱.

۱۵. الحديد، ۷.

خویش باشند، در قیامت یاری نمی‌شوند.^{۱۶} یکی از مصادیق توجه به نعمت‌ها آن است که بر پایه آیه ۱۴۱ سوره انعام^{۱۷} باید هنگام چیدن محصول به فقرا و بیچارگانی که حاضر هستند، انفاق نمود ولو مشرک باشند.^{۱۸}

انفاق در راه خدا تحت عنوان مجاهده با اموال در قرآن کریم یاد شده است. خداوند به مؤمنان می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک‌رهایی می‌بخشد؟! به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما [از هر چیز] بهتر است اگر بدانید.^{۱۹}

تجارت نجات‌دهنده، ایمان و مجاهده با مال و جان است. جهاد در راه خدا هنگامی ارزشمند می‌شود که با عزیزترین و محبوب‌ترین محبوب‌ها بوده باشد، یعنی با مال و از مال، عزیزتر، با جان.^{۲۰} در آیات دیگری^{۲۱} نیز مجاهده با اموال از جمله کمک مالی به جبهه‌های نبرد^{۲۲} توصیه شده و از ارزش‌های والای مؤمنان^{۲۳} و زمینه ارزشمندشدن نزد خداوند^{۲۴} شمرده شده است.

در سوره حجرات نیز مجاهده به وسیله اموال را کار مؤمنان و صادقان می‌داند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ.^{۲۵}

۱۶. المؤمنون، ۶۴ - ۶۵.

۱۷. كَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (الانعام: ۱۴۱)

۱۸. قال الصادق عليه السلام: أعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک لآ مشرک فاعطه. (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۷۷)؛ عن سعد بن سعد عن الرضا عليه السلام قال: قلت له: إن لم یحضر المساکین و هو یحصد کیف یصنع؟ قال: لیس علیہ شیء. (وسائل الشیعة: ج ۹، ص ۱۹۷)

۱۹. یا ایها الذین آمنوا هل أدلکم علی تجارة تُنجیکم من عذاب الیم. تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله بأموالکم و أنفسکم ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون. (الصف، ۱۰ - ۱۱)

۲۰. المیزان، ج ۵، ص ۷۳.

۲۱. و کرها أن یجاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله. (التوبة، ۸۱)؛ لکن الرسول و الذین آمنوا معہ جاهدوا بأموالهم و أنفسهم. (التوبة، ۸۸)

۲۲. إنفروا خفافاً و ثقلاً و جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله. (التوبة، ۴۱)

۲۳. فضل الله المجاهدين بأموالهم و أنفسهم علی القاعدین درجۃ. (النساء، ۹۵)؛ إن الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله. (الانفال، ۷۲)

۲۴. الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم أعظم درجۃ عند الله. (التوبة، ۲۰)

۲۵. الحجرات، ۱۵.

مؤمنان [واقعی] تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند، سپس شك و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویانند.

قرض الحسنه نیز یکی از مهم‌ترین توصیه‌های قرآنی در زمینه معیشت اقتصادی است. «قرض» را قطع کردن معنا کرده‌اند؛ چون انسان مقداری از مال خود را قطع می‌کند و از آن می‌گذرد، آن را قرض می‌گویند. به طور مثال در مورد آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»^{۲۶} گفته شده که این آیه درباره تأمین تجهیزات و امور مالی جهاد است. در این آیه، انفاق به قرض الحسنه تعبیر شده و این، عظمت انفاق در موضوع جهاد را نشان می‌دهد.^{۲۷}

خداوند عزوجل می‌فرماید:

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ

حَلِيمٌ.^{۲۸}

در این آیه، انسان به انفاق تشویق شده و وعده مضاعف شدن آن داده می‌شود.

همچنین اطعام مسکین از توصیه‌های مهم دین است.^{۲۹} اطعام نکردن مسکین از عوامل جهنمی شدن شمرده شده است.^{۳۰} در سوره ماعون در وصف منکران قیامت آمده:

وَلَا يَخُصُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ.^{۳۱}

از این رو اطعام فقرا وظیفه همگانی است و نه فقط توانگران، هرچند با ترغیب و تشویق دیگران باشد. چنانکه در روایت نبوی ﷺ اطعام طعام از افضل اعمال شمرده شده است.^{۳۲}

ب) بایسته‌ها و معیارهای انفاق در قرآن

در این بخش به خصوصیات و ویژگی‌های انفاق از نگاه قرآن کریم و آنچه بایستی در هزینه کردن در راه خدا مد نظر قرار گیرد، پرداخته می‌شود. معیارهای انفاق با توجه به آیات قرآن عبارتند از:

۲۶. البقرة، ۲۴۵.

۲۷. ن. کتبه نسیم حیات، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲۸. التغابن، ۱۷.

۲۹. ن. کتبه الانسان، ۸ - ۹؛ الكوثر، ۱ - ۲.

۳۰. وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْكِينِ. (المدثر، ۴۴)

۳۱. الماعون، ۳.

۳۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۲.

۱. خلوص نیت و بدون منت

یکی از شرایط انفاق این است که فی سبیل الله بوده و با نیت خالص و بدون منت گذاری و آزار دادن باشد همانگونه که آیات ۲۶۱ و ۲۶۲ سوره بقره به این مهم اشاره دارند:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ... الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.^{۳۳}

به فرمایش اهل بیت علیهم السلام، اگر انفاق، تنها در راه خدا صورت گیرد، نتیجه‌اش آسانی است و کسی که در راه خدا انفاق کند هیچ امر نیکی را نمی‌خواهد جز آنکه خدا آن را پیش پایش می‌گذارد.^{۳۴}

انفاق باید دور از هر منت و انتظاری بوده و فقط برای رضای خدا صورت گیرد. سوره انسان به ما می‌آموزد که فرهنگ صحیح انفاق با این عبارت عجین است:

إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا.^{۳۵}
این نکته قرآنی نیز قابل توجه است که انفاق برای دیده شدن توسط مردم و ریاکاری، همنشینی با شیطان را به دنبال دارد.^{۳۶}

۲. بخشیدن داشته‌های محبوب و طیب

نیکوکاری حقیقی، هزینه‌کرد از چیزی است که دوست داریم؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.^{۳۷}

همچنین از آیات ۲۱۵ و ۲۷۲ سوره بقره چنین برداشت می‌شود که بهتر است انفاق، از مال مرغوب باشد و انفاق کردن چیزهایی که برای خود انسان بهره دارد، به نفع خود آدمی است.

از دستورات الهی، فرمان به هزینه‌کرد و انفاق از پاک‌ترین اموال به‌دست آمده است:

۳۳. البقرة، ۲۶۱ - ۲۶۲.

۳۴. الکافی، ج ۴، ص ۴۷.

۳۵. الانسان، ۸ - ۹.

۳۶. وَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا. (النساء، ۳۸)

۳۷. آل عمران، ۹۲.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ

الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْحَبِثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ. ۳۸

مطابق روایت، صدقات از غیر مال طیب پذیرفته نمی‌شود. ۳۹

۳. میانه‌روی

از اصول مهم در معیشت و انفاق، رعایت اعتدال و میانه‌روی است. این معنا با اصطلاحاتی از قبیل «قصد» و «اقتصاد» نیز در روایات ذکر شده است. برای نمونه به یک روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌شود که فرمودند:

لَيْسَ فِي الْإِقْتِصَادِ تَلَفٌ. ۴۰

بر پایه این حدیث، در صورت میانه‌روی، اموال آدمی تلف نمی‌شود.

قرآن کریم آن بخشی از امت اسلام را که در تمام شوون از جمله امر معیشت، میانه‌رو و معتدل باشند، با صفت «مُقْتَصِدَةٌ» مدح کرده است. ۴۱ حتی میانه‌روی در کسب و کار هم سفارش شده و خبر داده شده که اگر کسی در طلب دنیا زیاده‌روی کند و افزون طلب باشد، فقیر از دنیا می‌رود. ۴۲ در استفاده از مادیات و مصرف و هزینه کردن نیز نباید افراط کرد؛ بلکه باید از گذشتگانی که اموال فراوان داشتند و غرق مادیات شدند، عبرت گرفت. ۴۳ قرآن کریم درباره میانه‌روی در انفاق می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا. ۴۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۳۸. البقرة، ۲۶۷.

۳۹. قال الصادق علیه السلام: فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيْهِ إِلَّا بِطَيِّبٍ مَا كَسَبُوا. (وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۶۵)؛ قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ الصَّدَقَاتِ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا إِلَّا الطَّيِّبَ. (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۶)

۴۰. غرر الحكم، ج ۱، ص ۵۶۰؛ عن أبي عبد الله علیه السلام قال: لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ مَا فِي يَدَيْهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَا كَانَ أَحْسَنَ وَلَا وَفَّقَ أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» يَعْنِي الْمُقْتَصِدِينَ. (الكافي، ج ۴، ص ۵۳)

۴۱. وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْمِلُونَ. (المائدة، ۶۶)

۴۲. عيون الحكم، ج ۱، ص ۴۶۰.

۴۳. التوبة، ۶۹.

۴۴. الفرقان، ۶۷.

دعایش مستجاب نمی‌شود مردی که مالی دارد و آن را از بین برده و فاسد کرده و می‌گوید: خدایا به من روزی ده. پس به وی گفته شود: آیا به تو دستور میانه‌روی ندادم؟ آیا به تو دستور اصلاح مالت را ندادم؟

سپس آیه فوق را تلاوت فرمودند.^{۴۵}

اسراف عبارت است از خرج کردن در معصیت و یا در غیر مورد نیاز. «و لَمْ يَقْتَرُوا» یعنی در دادن حق خدا بخل نورزیدند. در «كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» قوام به معنی عدل است و هزینه‌کرد در آنچه خدا به آن امر فرموده است.^{۴۶} اسراف و اقتار هر دو مذموم است و اعتدال در خرج کردن صحیح است.^{۴۷}

از کلمه «العَفْو» در آیه «وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْو»^{۴۸} بر می‌آید که انفاق کردن باید به صورت عفو به معنای اعتدال صورت گیرد.^{۴۹}

قرآن کریم برای توصیف اعتدال در انفاق می‌فرماید:

وَ أَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.^{۵۰}

مطالب مختلفی در تفسیر این آیه ذکر شده است؛ اعم از اینکه مراد از «تهلکه» ترک ولایت اهل بیت علیهم‌السلام باشد^{۵۱} و یا ترک تقیه^{۵۲} یا جهاد بدون محاسبه. اما این مصادیق، ارتباطی با بحث حاضر

۴۵. الکافی، ج ۲، ص ۵۱۱.

۴۶. عن أبي جعفر: إذا أنفقوا لم يُسرفوا و لم يَقْتَرُوا و الإسرافُ الإنفاقُ في المعصية في غير حق و لم يَقْتَرُوا لم يَخْلُوا عن حق الله و كان بين ذلك قواماً و القوامُ العدلُ و الإنفاقُ فيما أمر الله به. (تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۱۶)

۴۷. قال الصادق علیه‌السلام: العفو أوسط. (الکافی، ج ۴، ص ۵۲)؛ و عنه علیه‌السلام: العفو لا إقتار و لا إسراف. (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۷۰)

۴۸. البقرة، ۲۱۹.

۴۹. قال الرضا علیه‌السلام: و لیکن تَفَقَّتْکَ علی نفسیک و عیالکَ قَصداً فإنَّ اللهَ یقولُ: یَسْأَلُونَکَ مَاذَا یُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْو. (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۲)

۵۰. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۹۵.

۵۱. المناقب، ج ۳، ص ۲۰۷.

۵۲. عن خدیجة قال: «و لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» قال: هذا فی التَّقِيَةِ. (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۷)؛ فإنَّ الْمُتَعَرِّضَ لِلدَّوْلَةِ قَاتِلٌ نَفْسِهِ وَ مَوْثِقُهَا إِنَّ اللَّهَ یقولُ: وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ. (تحف العقول، ج ۱، ص ۳۰۷)؛ حقُّ السُّلْطَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّکَ جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَ أَنَّهُ مُبْتَلَى فیکَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ عَلَیْکَ مِنَ السُّلْطَانِ وَ أَنْ عَلَیْکَ أَنْ لَا تَتَعَرَّضَ لِسَخَطِهِ فَتُلْقَى بِیدِکَ إِلَى التَّهْلُكَةِ. (الخصال، ج ۲، ص ۵۶۴)؛ قال رسول الله: طاعةُ السُّلْطَانِ واجِبَةٌ وَ مَنْ تَرَكَ طاعةَ السُّلْطَانِ فَقَدْ تَرَكَ طاعةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَخَلَ فی نَهْیِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یقولُ: «وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (امالی صدوق، ج ۱، ص ۳۳۷)

ندارد. بلکه در برخی از روایات از ترک انفاق یا زیاده‌روی در آن سخن به میان آمده و موجب القای در تهلکه شمرده شده است.^{۵۳} برای نمونه در کتاب بحار الانوار آمده است:

وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ قَالَ: هَذَا فِي النَّفَقَةِ.^{۵۴}

امام صادق علیه السلام فرمودند این آیه، درباره نفقه است. ایشان در روایتی دیگر می‌فرمایند:

اگر مردی تمام اموال خود را [به نحوی که خود، بیچاره و هلاک شود] در راه خدا انفاق کند، احسان نکرده و هیچ توفیقی به دست نیاورده است؛ چرا که خداوند می‌فرماید: وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ.^{۵۵}

در انفاق کردن نه باید ناخن خشکی کرد و نه ولخرجی؛ چرا که بخل منجر به ملامت دیگران شده و زیاده‌روی، موجب حسرت و اندوه می‌شود. از مناهای الهی، نهی از رفتارهای افراطی و تفریطی است که یکی از مصادیق آن بخل ورزیدن و امساک از انفاق مال در هنگام جنگ است که باعث بطلان نیرو و از بین رفتن قدرت و در نتیجه، غلبه دشمن می‌شود؛ همچنان که اسراف در انفاق و از بین بردن همه اموال، باعث فقر و مسکنت و در نتیجه، انحطاط حیات و بطلان مروّت می‌شود.^{۵۶} امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرگاه کسی چیزی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست، هرگز پیامبر او را دست خالی رد نمی‌کرد و حتماً چیزی به او می‌داد. زنی پسرش را نزد پیامبر فرستاد و به او گفت: برو و از پیامبر چیزی بخواه و اگر گفت من هم چیزی ندارم، بگو: پیراهن خود را به من بده. پیامبر پیراهنش را درآورد و آن را به آن پسر داد. پس خداوند به او میانه‌روی و اعتدال را آموخت و فرمود: «وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا.»^{۵۷ ۵۸}

۵۳. و قيل في معنى الآية وجوه: أحدها قال الحسن و قتادة، و مجاهد و الضحاك، و هو المروى عن حذيفة و ابن عباس: إن معناها «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» بالامتناع من الانفاق في سبيل الله. الثاني ما روى عن البراء ابن عازب و عبدة السلماني: لا تركبوا المعاصي بالأيأس من المغفرة. الثالث ما قال البلخي من أن معناها: لا تتقحموا الحرب من غير نكاية في العدو و لا قدرة على دفاعهم. الرابع ما قاله الجبائي: لا تسرفوا في الانفاق الذي يأتي على النفس. (التبيان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۱۵۲)

۵۴. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۶۸.

۵۵. الكافي، ج ۴، ص ۵۳.

۵۶. الميزان، ج ۲، ص ۹۳.

۵۷. الاسراء، ۲۹.

۵۸. الكافي، ج ۴، ص ۵۵.

«احسار» به معنی فقر و نیازمندی است^{۵۹} به گونه‌ای که فرد، هرچه دارد، از دست بدهد و خود، از فعالیت و کار و زندگی باز بماند.

در روایت نبوی ﷺ آمده است:

كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ الْبَسُوا وَ تَصَدَّقُوا فِي غَيْرِ سَرَفٍ وَ لَا بُخْلِ.^{۶۰}

بنابراین رعایت اعتدال در انفاق به عنوان حکمی کلی بیان شده و طبق بیان قرآن کریم، میزان در پرداخت مال به نیازمندان حدّ وسط و میانه‌روی است.

در سیره اهل‌بیت ﷺ نیز همین حکم قرآنی رعایت شده است. برای نمونه درباره امام حسن مجتبی ﷺ نوشته‌اند:

سه بار اموالش را دو قسمت کرد: نیمی برای خود و نیمی برای

نیازمندان.^{۶۱}

از امام باقر ﷺ نقل شده است:

هنگامی که وفات امام حسن مجتبی ﷺ فرا رسید، گریه می‌کرد.

به ایشان گفته شد: ای فرزند دخت رسول خدا! گریه می‌کنی حال

آنکه ... سه بار ثروت خود را برای خدا (با تهیدستان) و حتی کفش

خود را تقسیم کرده‌ای؟ ...^{۶۲}

همچنین امام صادق ﷺ می‌فرمایند:

أَحْسَنُ بِنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَسَمَ رَبَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى نَعْلًا وَ نَعْلًا وَ ثَوْبًا

وَ ثَوْبًا وَ دِينَارًا وَ دِينَارًا.^{۶۳}

علّامه مجلسی در شرح این حدیث می‌نویسد:

قَسَمَ رَبَّهُ أَي: قَسَمَ مَالَهُ نَصْفَيْنِ، فَأَخَذَ نَصْفَهُ وَ أَعْطَى الْفُقَرَاءَ

نَصْفَهُ.^{۶۴}

۵۹. الإحسارُ أَلْفَاقَةُ. (البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۵۲۵)

۶۰. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۰۷.

۶۱. ن. ك: اسد الغابة، ج ۱، ص ۴۹۰؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۵۵۵.

۶۲. الزهد، ج ۱، ص ۷۹.

۶۳. تهذيب الاحكام، ج ۵، ص ۱۱.

۶۴. ملاذ الاخيار، ج ۷، ص ۱۹۹.

یعنی سه بار همه مالشان را در راه خدا نصف نمودند.

پس می‌توان گفت امام علیه السلام در چند نوبت حداکثر نصف اموال خود را به فقرا دادند؛ چنانکه این معنا شاهد روایی دارد:

وَ قَاسَمَتَ اللَّهُ تَعَالَى مَالَكَ نِصْفَيْنِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَصَدَّقَتْ بِنَعْلٍ وَ
أَبْقَيْتَ نَعْلًا.^{۶۵}

سه بار نصف دارایی‌ات را با خدا و در راه خدا تقسیم و انفاق کرده‌ای
چنان که حتی نعلین‌هایت را نیز قسمت کرده‌ای به این صورت که یکی
را صدقه داده و دیگری را برای خود نگه داشته‌ای.

البته شاید مقصود از اموال، فقط اموال منقول باشد. افزون بر آن، گاهی حضرت مبالغ قابل
توجهی را یکجا به مستمندان می‌بخشیدند و با این بخشش چشمگیر برای همیشه شخص فقیر را
بی‌نیاز می‌کردند به گونه‌ای که او می‌توانست با این مبلغ، همه احتیاجات خود را برطرف نموده و
زندگی آبرومندانه‌ای تشکیل بدهد و احیاناً سرمایه‌ای برای خود تهیّه نماید.^{۶۶}

اکنون پرسش این است که رابطه اعتدال با ایثار چیست؟ قرآن کریم می‌فرماید:

وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ
لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا.^{۶۷}

و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به مستمند و
یتیم و اسیر اطعام می‌کنند. [و می‌گویند]: ما شما را به خاطر خدا اطعام
می‌کنیم و هیچ پاداش و سیاسی از شما نمی‌خواهیم.

این آیه درباره قضیه‌ای که در آن، خانواده امیرالمؤمنین علیه السلام از نیاز ضروری خود صرف نظر کرده
و غذای خویش را به نیازمندان دادند.^{۶۸} ذیل این آیه، روایتی آمده که به بیماری حسنین علیه السلام و نذر
سه روز روزه‌داری جهت شفای ایشان اشاره دارد. در جریان این روزه، سه روز متوالی، همه افطار
این خانواده به مسکین و یتیم و اسیر بخشیده شد.^{۶۹}

۶۵. وَ لَمَّا خَضَرَ الْحَسَنُ علیه السلام الْوَفَاةَ، بَكَى، فَقَالَ لَهُ أَخُوهُ الْحُسَيْنُ علیه السلام: أَتَبْكِي خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ وَ أَنْتِ أَعْدَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ
خَجَجْتَ اللَّيْتَ مَاشِيًا عَشْرِينَ حِجَّةً وَ قَاسَمْتَ اللَّهُ تَعَالَى مَالَكَ نِصْفَيْنِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَصَدَّقْتَ بِنَعْلٍ وَ أَبْقَيْتَ نَعْلًا، فَقَالَ علیه السلام: مَا بَكَيتُ
خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ وَ لَكِنِ لِفِرَاقِ الْأَجْبَةِ. (كشف اليقين، ج ۱، ص ۳۵۰)

۶۶. سیره پیشوایان، ص ۱۰۹.

۶۷. الانسان، ۸ - ۹.

۶۸. ن. کت تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۸؛ امالی صدوق، ص ۲۵۶؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۰۷؛ مناقب الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱،

ص ۱۶۲.

۶۹. ن. کت امالی صدوق، ص ۲۵۶.

گزارش دیگری هم از این قضیه وجود دارد که روایت برگزیده آن چنین است:

حضرت فاطمه علیها السلام مقداری جو داشتند و آن را فرنی کردند. چون فرنی پخته شد و مقابل خود قرار دادند، مسکینی آمد و گفت: خدا شما را رحمت کند ما را از آنچه خداوند به شما روزی داده، بخورانید. پس حضرت علی علیه السلام برخاستند و ثلث آن را به او دادند. طولی نکشید که یتیمی آمد. آن یتیم گفت: خدا شما را رحمت کند ما را از آنچه خداوند به شما روزی داده بخورانید. حضرت علی علیه السلام برخاستند و ثلث دوم آن را به او دادند. چیزی نگذشت که اسیری آمد. اسیر هم گفت: خدا شما را رحمت کند ما را از آنچه خداوند به شما روزی داده بخورانید. حضرت علی علیه السلام برخاستند و یک سوم باقیمانده را به او دادند و اصلاً از آن نچشیدند. پس خداوند این آیه را بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل کرد.^{۷۰}

این قضیه مصداق ایثار یا از خودگذستگی است. آیه دیگری در قرآن کریم اینچنین است:

و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.^{۷۱}

و آنها را بر خود مقدّم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده‌اند رستگارانند. این آیه در توصیف انصار است که مهاجران را بر خود مقدّم داشتند، هر چند که خود نیازمند بودند.^{۷۲}

در توضیح موضوع ایثار و رابطه آن با اعتدال در انفاق نکات زیر، قابل توجه است:

نخست اینکه اگر انفاق به تزییع حقی واجب منجر گردد محلّ اشکال است. اگر فردی، واجب التّفقه خود، مانند همسر و فرزندان و والدین را در نظر نگیرد و به غیر، انفاق کند، این کار اشکال

۷۰. كَانَ عِنْدَ فَاطِمَةَ علیها السلام شَعِيرٌ فَجَعَلَتْهُ عَصِيدَةً، فَلَمَّا أَضَجَّهَا وَ وَضَعَهَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ جَاءَ مَسْكِينٌ، فَقَالَ الْمَسْكِينُ: رَحِمَكُمُ اللَّهُ، أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ؟ فَقَامَ عَلِيُّ علیه السلام فَأَعْطَاهُ ثُلُثَهَا، فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ يَتِيمٌ فَقَالَ الْيَتِيمُ: رَحِمَكُمُ اللَّهُ، أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ؟ فَقَامَ عَلِيُّ علیه السلام فَأَعْطَاهُ ثُلُثَهَا الثَّانِي، فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ أَسِيرٌ فَقَالَ الْأَسِيرُ: رَحِمَكُمُ اللَّهُ، أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ؟ فَقَامَ عَلِيُّ علیه السلام فَأَعْطَاهُ الثُّلُثَ الْبَاقِي، وَ مَا ذَاقُوهَا، فَانزَلَ اللَّهُ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ إِلَى قَوْلِهِ: «وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» فِي أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام وَ هِيَ جَارِيَةٌ فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ فَعَلَّ مِثْلَ ذَلِكَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۸)

۷۱. الحشر، ۹.

۷۲. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۵۷.

دارد. لذا بخشش فراوان نباید سبب نابسامانی فوق العاده در زندگی انسان گردد و نظام خانواده را به خطر افکند.

از سوی دیگر، کسی که با بخشش اموال خود، در مدتی کوتاه محتاج گردد و مجبور شود برای رفع نیازش، دست به سوی دیگران دراز کند، ایثار کردن برای او روا نبوده و عین اسراف است. ایثار برای افرادی است که نه تنها پس از بذل مال، محتاج نخواهند شد بلکه اطمینان دارند که از راه حلال، روزی خود را به دست آورده و با همت خویش، نیازمند مردم نخواهند شد.

معصومان علیهم السلام، صراط مستقیم و مقربان الهی هستند و فعل معصوم عیناً حق است. انسان هر چه مقرب‌تر به خداوند باشد، به همان اندازه در اجرای امور دینی نسبت به دیگران پیش قدم است. معصوم به خوبی می‌داند که اموالش را کجا و به چه مقدار هزینه کند. درباره کمک به فقرا، رویه ایشان «انفاق میانه» و نیز «ایثار» است.

ایثار به معنای مقدم داشتن دیگری بر خود است^{۷۳} اما گاهی در معنای وسیع‌تر به هرگونه ترجیح بین دو طرف گفته می‌شود.^{۷۴} بعضی که صراط مستقیم را نمی‌شناسند و در متن آن حرکت نمی‌کنند، با بخشش اموال خود و خانواده به فقرا، سربار دیگران شده و کار ناصواب خود را ایثار در راه خدا می‌پندارند؛ در حالی که کارشان اشتباه است؛ چون تأمین نفقه افراد خانواده واجب است. به خلاف مؤمنان و ابرار و صاحبان فُرقان که می‌توانند اهل ایثار باشند؛ چراکه مرز ایثار و اسراف را شناخته‌اند. چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

خداوند در قرآن تحمّل را بر ابرار واجب کرده است. گفته شد که تحمّل چیست؟ فرمودند: وقتی قصد و حاجت تو از قصد و حاجت او بیشتر باشد، برای او بخواهی.

ایشان درباره سخن خدای عزوجل: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» فرمودند:

چیزی را که او به آن از تو محتاج‌تر است ویژه خود قرار نده.^{۷۵}

در روایتی ذیل آیه هشتم سوره انسان آمده است:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ، يَقُولُ عَلَىٰ شَهْوَتِهِمِ لِلطَّعَامِ وَآيَاتِهِمْ

لَهُ مَسْكِينًا مِّنْ مَّسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ وَيَتِيًّا مِّنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ وَآسِيرًا

مِّنْ أَسَارَى الْمَشْرِكِينَ.^{۷۶}

۷۳. الصحاح، ج ۲، ص ۵۷۵.

۷۴. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۰.

۷۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۷.

۷۶. امالی صدوق، ص ۲۶۰.

بنابراین رعایت اعتدال در انفاق يك حکم عام است و ایثار يك حکم خاص که مربوط به مراتب بالاتر و موارد معین با رعایت ملاحظات می‌شود و این دو حکم با هم تضادی ندارند.

۴. بخشیدن از همه داشته‌ها

در سوره مؤمنون در وصف موحدان با ایمان می‌فرماید:

وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا. ۷۷

اگر این عبارت به موضوع انفاق برگردد معنایش آن است که این افراد در زندگی از همه داشته‌ها و انواع دارایی‌های خود در راه خدا هزینه می‌کنند. همچنین از عبارت «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» که ترکیبی از «مین» و «مارزقناهم» است و در چندین آیه از قرآن تکرار شده،^{۷۸} می‌توان همین موضوع را برداشت کرد و گفت: باید از همه نوع از داشته‌ها انفاق کرد.

۵. طوع و رغبت

در فرهنگ معیشت صحیح، بذل مال طوعاً و با رغبت صورت می‌پذیرد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید:

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا
يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ. ۷۹

کسانی که از مؤمنان فرمانبردار، در صدقاتشان عیب‌جویی می‌کنند و کسانی را که [برای انفاق در راه خدا] جز به مقدار [ناچیز] توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آنها را استهزا می‌کند [و کیفر می‌دهد] و برای آنها عذاب دردناکی است!

و یا می‌فرماید:

وَ لَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أُجِدُّ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ
تَوَلَّوْا وَ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ. ۸۰

و [نیز] گناهی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی [برای جهاد] سوار کنی، گفتی مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، در اختیار ندارم. [از نزد تو] بازگشتند درحالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند [و با آن به میدان بروند].

۷۷. المؤمنون، ۶۰.

۷۸. ن. ک: البقرة، ۳؛ الانفال، ۳؛ الرعد، ۲۲؛ ابراهیم، ۳۱؛ و الحج، ۳۵؛ ص، ۵۴؛ السجدة، ۱۶؛ فاطر، ۲۹؛ الشوری، ۳۸.

۷۹. التوبة، ۷۹.

۸۰. التوبة، ۹۲.

بر پایه این آیات، شوق و رغبت، لازمه انفاق صحیح است و طبق آیات ۵۳ و ۵۴ سوره توبه، انفاق از فاسق و منحرفی که مخارج جبهه را می‌دهد ابدأً قبول نمی‌شود، چراکه ایمان حقیقی ندارد و نفقه جبهه را بالا جبار می‌دهد.^{۸۱}

۶. بخشش در سختی و آسایش

با عنایت به آیه شریفه «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۸۲} بخشش با وجود نیازمندی، بسیار ارزشمند و مهم است. انفاق در وقت تنگدستی، از حقایق ایمان است^{۸۳} و هنگام فقر، نوعی معامله با خدا در جهت گشایش است.^{۸۴} در همین راستا هارون بن عیسی روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

امام صادق علیه السلام به فرزندش محمد فرمود: پسر! از هزینه زندگی نزد تو چه قدر اضافه مانده است؟ عرض کرد: چهل دینار. امام فرمود: آن را صدقه بده. عرض کرد: اضافه فقط همین چهل دینار است. امام صادق علیه السلام فرمود: چهل دینار را صدقه بده؛ زیرا که خداوند جایگزین می‌کند. آیا نمی‌دانی که هر چیزی را کلیدی است و کلید روزی، صدقه است. آن را صدقه بده. فرزند امام صدقه داد، هنوز ده روز نگذشته بود که از جایی مبلغ چهار هزار دینار به امام رسید. حضرتش فرمود: فرزندم! ما چهل دینار برای خداوند دادیم، خداوند چهار هزار دینار به ما عنایت فرمود.^{۸۵}

با توجه به آیه «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»^{۸۶} خداوند به مسلمانان خصوصاً تهیدستان وعده و بشارت آسانی پس از سختی داده است.

۸۱. التوبة، ۵۳ - ۵۴.

۸۲. الحشر، ۹.

۸۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۷.

۸۴. قال علی علیه السلام: إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ. (نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۱۳)

۸۵. الکافی، ج ۴، ص ۹.

۸۶. الطلاق، ۷.

اگر در آیه «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^{۸۷} مفهوم «حُبِّهِ» محبت طعام باشد،^{۸۸} اینگونه برداشت می‌شود که اطعام و انفاق، زمانی ارزش بیشتری دارد که شیء انفاق شده مورد نیاز و علاقه انسان باشد. علی بن سوید از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند:

به امام عرض کردم مرا موعظه و توصیه کن. فرمود: تو را به ترس از خدا امر می‌کنم. سپس خاموش شد. از کمی دارایی‌ام شکایت کردم و گفتم: به خدا سوگند! بی‌لباس بودم تا جایی که پسر فلانی دو لباس که بر تنش بود را درآورد و آنها را بر من پوشاند. فرمود: روزه بگیر و صدقه بده! گفتم: آنچه را برادرانم به من عطا کرده‌اند، صدقه دهم؟ فرمود: روزی‌ای را که خدا به تو عطا کرده صدقه بده، اگرچه دیگران را بر خود ترجیح دهی.^{۸۹}

در سوره آل عمران در وصف متقین آمده است:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ.^{۹۰}

این آیه، انفاق در حال تنگدستی و در حال بی‌نیازی را از نشانه‌های محسنین و متقین بر می‌شمارد؛ چنانکه در روایتی از امام سجّاد علیه السلام آمده که یکی از علامت‌های پنجگانه مؤمن را صدقه دادن هنگام تنگدستی بر می‌شمارند.^{۹۱}

۷. بخشش در سر و جهر

با توجه به آیه «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»^{۹۲} خداوند چنین پسندیده که زکات و واجبات مالی، آشکار شود و مستحبات مالی پنهانی انجام شود.^{۹۳} همچنین

۸۷. الانسان، ۸.

۸۸. عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا» قُلْتُ: حُبُّ اللَّهِ أَوْ حُبُّ الطَّعَامِ؟ قَالَ: حُبُّ الطَّعَامِ. (المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷)

۸۹. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۳۱.

۹۰. آل عمران، ۱۳۴.

۹۱. علامات المؤمن خمس: ألوزع في الخلوة، و الصدقة في القلة، و الصبر عند المصيبة، و الجلم عند الغضب، و الصدق عند الخوف. (الخصال، ص ۲۴۵)

۹۲. البقرة، ۲۷۱.

۹۳. قال الباقر علیه السلام: إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ، يَعْنِي الزُّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ ... وَ إِنْ تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ يَعْنِي النَّاقِلَةَ إِيَّاهُمْ كَانُوا يَسْتَجِبُونَ إِظْهَارَ الْفَرَائِضِ وَ كِتْمَانَ النَّوَافِلِ. (الكافي، ج ۴، ص ۶۰)؛ عَنْهُ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ إِنْ تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ، فَقَالَ: هِيَ سِوَى الزُّكَاةِ إِنْ الزُّكَاةَ عَلَانِيَةً غَيْرُ سِرٍّ. (الكافي، ج ۳، ص ۵۰۲)

قرآن کریم در کنار اقامه نماز، انفاق پنهان و آشکارا را از ویژگی‌های اولی الالباب می‌داند.^{۹۴} آیات دیگری نیز در قرآن کریم یافت می‌شود که انفاق مال در سرّ و جهر را جزو فرهنگ صحیح معیشت بیان می‌دارد.^{۹۵}

۸. اولویت‌بندی

طبق آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^{۹۶}

محلّ مصرف صدقات (به معنای زکات واجب مال)، فقرا و مساکین و جذب دل‌ها به اسلام و آزادی بردگان و ادای قرض بدهکاران و در راه مانده‌ها و در راه خداست.

دستور کمک به فقرا در آیات متعددی ذکر شده است.^{۹۷} به طور مثال، ثروتمندان باید به فقرا در امر ازدواج کمک کنند.^{۹۸} همچنین باید به کور، لنگ و مریض به خاطر عیب و نقصی که در اعضا دارند و نمی‌توانند رزق خود را کسب کنند، کمک کرد و به آنها اجازه داد که از خانه‌های دیگران رفع حاجت کرده و با آنها هم‌غذا و هم‌سفره شوند.^{۹۹} حتی در حج به عنوان واجب شرعی بزرگ و گروهی که منافع مادی هم دارد، باید به موضوع فقرزدایی توجه داشت و اجتماع اغنیا در حج نباید آنان را از فقرا غافل کند. لذا منافع قربانی باید به بئس فقیر برسد.^{۱۰۰}

از بهترین مصارف انفاق، کمک مالی به فقرای عفاف‌پیشه است تا شأن آنها حفظ شود:

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ صَرْبًا فِي
الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيَاهِهِمْ لَا يَسْأَلُونَ
النَّاسَ الْخَافًا وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.^{۱۰۱}

۹۴. وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً. (الرعد، ۲۲)

۹۵. ن. کذ ابراهیم، ۳۱؛ النحل، ۷۵؛ فاطر، ۲۹.

۹۶. التوبة، ۶۰.

۹۷. ن. کذ الحشر، ۷؛ الفجر، ۱۸؛ الماعون، ۳.

۹۸. وَ لِيَسْتَفْفِئَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ أَنْتُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ. (النور، ۳۳)

۹۹. ن. کذ النور، ۶۱.

۱۰۰. ن. کذ الحج، ۲۸.

۱۰۱. البقرة، ۲۷۳.

[بهتر است انفاق شما] برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه‌ی زندگی] مسافرتی کنند [و سرمایه‌ای به‌دست آورند؛] و افراد ناآگاه آنها را از شدت خویشتن‌داری، بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار از مردم درخواست نمی‌کنند. [این است مشخصات آنها!] و هر چیز خوبی [در راه خدا] انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.

در تقسیم‌بندی قرآنی فقرا، طبق آیه «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^{۱۰۲} قانع به معنی فقیری است که به هرچه به او دهند قناعت می‌کند، چه درخواست بکند چه درخواست نکند؛ اما معتز فقیر نیازمندی است که حرفی به زبان نمی‌آورد ولی برای درخواست آمده باشد.^{۱۰۳} مقدم داشتن قانع بر معتز شاید بدین خاطر باشد که معتز چون بدون پروا گدایی می‌کند و حتی گاهی بیش از حد نیاز، مطالبه می‌کند، احتمال گرسنگی‌اش کمتر است؛ ولی قانع آبرومندی و خویشتن‌داری می‌وزد. لذا انسان باید به هر دو دسته و در مرحله اول به قانع رسیدگی کند. امر در «فَكُلُوا مِنْهَا» بنا بر مشهور، ظهور در استحباب دارد؛ یعنی شایسته است، حاجی مقداری از قربانی بخورد و شاید این امر بدان جهت باشد که فقرا در این رابطه احساس حقارت نکنند و از سوی دیگر، بیانگر نوعی مساوات بین طبقات متمکن و مستمند جامعه باشد. در هر حال مشهور آن است که قربانی باید سه قسمت شود: یک قسمت آن اطعام به اهل و عیال، قسمت دوم به فقرا (قانع و معتز) اعطا شود و قسمت سوم به دوستان و نزدیکان اهدا گردد.^{۱۰۴}

در آیه‌ای دیگر مربوط به جریان حضرت موسی و حضرت خضر علیهما السلام، اشاره به مساکینی شده که دارای کشتی بوده و در دریا کار می‌کردند.^{۱۰۵} این قضیه نشان می‌دهد چه بسا افرادی سرمایه و کار داشته باشند ولی به خاطر درآمد پایین جزو مساکین به حساب آیند و بایستی به آنها کمک رسانند.

۱۰۲. الحج، ۳۶.

۱۰۳. قال الصادق علیه السلام: الْقَانِعُ الَّذِي يَقْنَعُ بِمَا أُعْطِيَتْهُ وَ الْمُعْتَرُّ الَّذِي يَعْتَرِكُ وَ السَّائِلُ الَّذِي تَسْأَلُكَ فِي يَدَيْهِ وَ الْبَائِسُ هُوَ الْفَقِيرُ (الكافی، ج ۴، ص ۵۰۰)

۱۰۴. المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۸.

۱۰۵. أَمَّا السَّقِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَزَدَتْ أَنْ أَعْيَبَهَا وَ كَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا. (الكهف، ۷۹)

در کنار سائل و فقیر، رسیدگی و اکرام یتیم^{۱۰۶} از توصیه‌های جدی قرآن کریم است.^{۱۰۷} با عنایت به آیات «يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ»^{۱۰۸} یتیم و مسکین در یک سیاق آمده و بر حل مشکلاتشان تأکید شده است. این گره‌گشایی باید از نزدیکان آغاز گردد. چنانکه در آیات قرآن، بخشش به خویشاوندان امر شده^{۱۰۹} و توصیه شده که در اموال انسان، حقی برای خویشان و فقرا و ابن سبیل بوده و در بذل و بخشش، اولویت با خویشاوندان است.^{۱۱۰} امام صادق علیه السلام فرمودند:

بدرم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: شروع کن به کمک کردن کسانی که با تو خویشاوند هستند از نزدیک‌ترین آنها؛ سپس خویشاوندی که بعد از او قرار دارد.^{۱۱۱}

همچنین از محل‌های انفاق، هزینه‌کرد برای زیردستان و خانواده است که باید از روزی خود به آنها داد.^{۱۱۲} هیچ کسی حق ندارد نعمت خاصی را مخصوص خود قرار دهد در حالی که به زن و فرزند خویش در حالی که به آن نیاز دارند، ندهد.^{۱۱۳} از دستورات قرآنی دیگر، فرمان به هزینه‌کرد در راه خدا خصوصاً برای کمک به جبهه جنگ است، چه کم، چه زیاد، که بر آن وعده پاداش الهی داده شده است.^{۱۱۴}

۹. نداشتن خوف و حسرت

در انفاق کردن و پرداخت واجبات مالی، نباید خوف از فقر و حزن بابت اموال هزینه شده داشت. آنکه از فرهنگ صحیح معیشت بهره می‌برد، در امور اقتصادی و معیشت خود، نه خوف از کمبودهای آینده دارد و نه حزن و اندوه بر گذشته.^{۱۱۵} نباید به انفاق در راه خدا و واجبات مالی به دید غرامت و ضرر نگریست بلکه به آنها باید به عنوان تقرب به خدا و جلب دعا‌های خیر رسول الله صلی الله علیه و آله نگاه کرد.^{۱۱۶} برخی از انسان‌ها دچار تنگ‌نظری هستند و اگر همه خزاین خدا را هم مالک باشند، باز خیال می‌کنند انفاق کردن مایه فقر است!^{۱۱۷} این فرهنگ معیشت منافق است که به فرموده قرآن کریم، منافقان به علت ترس از کمک در راه خدا، مشقت خود را می‌بندند.^{۱۱۸}

۱۰۶. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ. (الضحی، ۹ - ۱۰)

۱۰۷. ن. کذ الکهف، ۸۲

۱۰۸. البلد: ۱۵ - ۱۶.

۱۰۹. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ. (النحل، ۹۰)

۱۱۰. ن. کذ الاسراء، ۲۶؛ الروم، ۳۸؛ النور، ۲۲.

۱۱۱. الکافی، ج ۵، ص ۶۷.

۱۱۲. النحل، ۷۱.

۱۱۳. سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۸۷.

۱۱۴. ن. کذ البقرة، ۱۹۵؛ التوبة، ۴۱ و ۱۲۱.

۱۱۵. ن. کذ البقرة، ۲۷۴ و ۲۷۷.

۱۱۶. ن. کذ التوبة، ۹۸ - ۹۹.

۱۱۷. ن. کذ الاسراء، ۱۰۰.

۱۱۸. ن. کذ التوبة، ۶۷.

نتیجه

با توجه به تأکید فراوان قرآن و روایات بر اهمیت انفاق، بایستی با معیارهای انفاق مورد رضای خداوند به خوبی آشنا شده و آنها را در سبک معیشت خود به کار برد.

از مهم‌ترین معیارهای قرآنی انفاق، رعایت اخلاص و میانه‌روی است. بایسته‌ها و دیگر معیارها عبارتند از: انفاق بدون منت‌گذاری، انفاق از انواع داشته‌ها، انفاق از داشته‌های مرغوب و محبوب، با طوع و رغبت، در سختی و آسایش، پنهانی و آشکارا با رعایت اولویت‌بندی و ترس نداشتن از کاهش اموال.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. أُسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر علی بن محمد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. الامالی، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق و نشر مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۷ق.
۴. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تحقیق و نشر مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۵ق.
۶. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ابن شعبه حرّانی حسن بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۸. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
۹. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۳ش.
۱۰. تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حرّ عاملی محمد بن حسن، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۰۹ق.
۱۱. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۲. الخصال، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۳. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، قم، دار الاسوة، ۱۴۱۴ق.
۱۴. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه امام صادق ﷺ، ۱۳۹۰ش.
۱۵. شواهد التنزیل، عبید الله حسکانی، ترجمه احمد روحانی، قم، دار الهدی، ۱۳۸۰ش.
۱۶. الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، اسماعیل بن حمّاد جوهری، تحقیق احمد عبد الغفور عطّار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.

۱۷. عوالی اللالی العزیزیتہ فی الاحادیث الدینیۃ، ابن ابی جمہور احسائی محمد بن علی، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مؤسسہ سید الشهداء علیہ السلام، ۱۴۰۳ق.
۱۸. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، تحقیق حسین حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۹. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۰. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دار الکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۱ش.
۲۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۷ق.
۲۲. کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیہ السلام، حسن بن یوسف حلّی، تحقیق حسین درگاہی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
۲۳. کشف النعمۃ فی معرفۃ الائمۃ، علی بن عیسیٰ اربلی، قم، شریف رضی، ۱۴۲۱ق.
۲۴. لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر و دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق محمد جواد بلاغی، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۶. المحاسن، برقی احمد بن محمد، تحقیق سید جلال الدین محدث ارموی، قم، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۱ق.
۲۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم، مؤسسہ آل البیت علیہم السلام، ۱۴۰۸ق.
۲۸. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفہانی حسین بن محمد، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دار العلم الدار الشامیہ، ۱۴۱۲ق.
۲۹. ملاذ الاختیار فی فہم تہذیب الاخبار، محمد باقر مجلسی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۳۰. من لا یحضرہ الفقیہ، شیخ صدوق محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۳۱. مناقب الامام امیر المؤمنین علیہ السلام، محمد بن سلیمان کوفی، قم، مجمع احیای فرہنگ اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۳۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شہر آشوب محمد بن علی، تحقیق سید ہاشم رسولی محلّاتی و محمد حسین آشتیانی، قم، انتشارات علامہ.
۳۳. میزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، ترجمہ سید محمد باقر موسوی ہمدانی، قم، جامعہ مدرسین، ۱۳۷۴ش.
۳۴. نسیم حیات، ابوالفضل بہرام پور، قم، انتشارات ہجرت، ۱۳۷۸ش.
۳۵. نہج البلاغہ، شریف رضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، قم، نشر ہجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۶. مقالہ انفاق از منظر قرآن و عترت، محمد جعفر افسای، فرہنگ کوثر، ش ۷۲، ۱۳۸۸ش.